

سندها و نوشته‌هایی در پیوند با خیزش ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱

۲۶ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۱۵:۱۷

مذاکرات (با مصدق در واشنگتن) منجر به توافق برای طرح پیشنهاد نهائی گردید و اچسن به ایدن ارائه کرد و گفت پیشنهاد مورد توافق ما و مصدق را به عنوان مبنای مذاکرات بپذیرد: پالایشگاه آبادان در اختیار یک شرکت غیر انگلیسی به عنوان غرامت ادعائی قرار گیرد و دوباره به کار افتد مدیریت و عوامل کار و هزینه‌ها و قیمت گذاری با نظر ایران باشد و مطالبات مورد ادعای طرفین از یکدیگر موقوف شود...

از نامه ۱۵/۵/۳۱ قوام به مجلس ۱۷

...من نه وسیله اجباری داشتم ونه...اعمال قوه نمودم و رئیس الوزرای سابق هم به میل و نظریات خود از کارکناره گیری نموده بود... من پیشنهاد حکومت نظامی... نکرده بودم...دستور تجمع مردم را در سی تیر من ندادم... اما در موضوع... مصادره اموال... نظیر چنین امری در حکومت مطلقه هم واقع نشده است... اصل ۱۶... و اصل ۲۷ متمم قانون اساسی... و.. منشور اتلانتیک... چگونه ممکن است که از کسی نپرسیده و فرصت توضیح نداده حکمی صادر و نظری اتخاذ نمایند.. من به صدای بلند می گویم که شهید واقعی سی ام تیرماه در درجه اول من هستم...من درطول خدمت گذاری طولانی به کشور خودم دچارمعارضه با سیاست‌های خارجی بوده ام و همه کم و بیش از من رنجیدگی دارند ولی معارضه های من همیشه برای حفظ منافع مردم ایران و مصالح مملکت بوده...
روندگان حقیقت ره بلا سپرند
رفیق عشق نیندیشداز نشیب و فراز

دکتر محمد مصدق د دادگاه تجدید نظر نظامی به کوشش جلیل بزرگمهر ناشر شرکت

سهامی انتشار - چاپ اول سال ۶۵ ص ۳۰۱

من استعفا کردم... دولتی بعد از بنده آمد. مجلس... رأی تمایل... داد ایشان نخست وزیر شدند ولی دولت خود را به مجلس معرفی نکردند. در این اثنا البته مسئول مملکت همان نخست وزیری بود که مجلس به او رأی تمایل داد... سیاست خوب بود یا بد بود، به قوه انتظامی مربوط نبود که فکر یا تأمل بکند. آنها امر... را اجرا کردند. اگر بنا باشد آن‌ها را برای اجرای آن امر... بیاورند مجازات کنند دیگر چطور ممکن است افسران بتوانند... اطاعت بکنند...

در تیررس حادثه - حمید شوکت نشر اختران - چاپ دوم - سال ۸۶ ص ۲۹۳ به نقل از ارسنجانی

قوام بعد از ظهر ۳۰ تیر هنگامی که از تیراندازی نظامیان به مردم با خبر شد گفت... شلیک به مردم یا جمع کردن نیروهای انتظامی از شهر و این قبیل باید رسماً با اطلاع رئیس دولت باشد... هر چه خواسته اند کرده اند تا به حساب من بگذارند.

از نامه خطی پیوست مقاله دکتر فخرالدین عظیمی باقی‌دمرمانه بامضای قوام ص ۲۴۳ جلد اول ۷۰ مقاله ارمغان فرهنگی به دکتر غلامحسین صدیقی گردآورده یحیی مهدوی - ایرج افشار
چاپ اول نشر

...شرکت ملی نفت ایران.. استخراج می‌کند و به شرکتی که برای تصفیه و فروش تشکیل می‌شود که اقل ۷۵٪.. باید متعلق به ایران.. باشد در سر چاه بفروشد از روی قیمت خلیج ایران ...

نقل به مضمون از ترجمه غلامرضا نجاتی از نوشته جرج مک گی معاون وقت وزارت خارجه آمریکا مندرج در،،سه گزارش،،

مذاکرات (با مصدق در واشنگتن) منجر به توافق برای طرح پیشنهاد نهائی گردید و اچسن به ایدن ارائه کرد و گفت پیشنهاد مورد توافق ما و مصدق را به عنوان مبنای مذاکرات بپذیرد: پالایشگاه آبادان در اختیار یک شرکت غیر انگلیسی به عنوان غرامت ادعائی قرار گیرد و دوباره به کار افتد مدیریت و عوامل کار و هزینه‌ها و قیمت گذاری با نظر ایران باشد و مطالبات مورد ادعای طرفین از یکدیگر موقوف شود و با شرکت سابق نفت یک قرارداد ۱۵ ساله برای حد اقل ۳۰ میلیون تن نفت در سال منعقد گردد. بهای نفت که سقف آن ۱۰/۱ دلار خواهد بود با توافق ایران و انگلیس و آمریکا با توجه به تغییراتی که در قیمت جهانی متناوباً

صورت می‌گیرد تعیین شود و شرکت ملی نفت ایران بتواند مازاد نفت مورد نیاز شرکت سابق را به مشتریان سابق با رعایت قراردادهای بلند مدت فروش شرکت مزبور بفروشد و دولت ایران هم بتواند سالانه یک میلیون تن نفت به قیمت ارزان تر بخرد جواب ایدن این بود: ما با مصدق معامله نمی‌کنیم.

از کتاب قوام السلطنه دکتر عاقلی

...تیرماه ۳۰ بدون تردید همان‌طور که قیام و تظاهرات مردم باعث روی کار آمدن مجدد دکتر مصدق شد دوچندان مخالفت شخص شاه باعث سقوط قوام.. گردید... ساعت ۵/۲ روز ۳۰ تیر شاه وقوام ۴۵ دقیقه ملاقات کردند وقتی صریحاً از شاه شنید که فرمان انحلال مجلس را باو نخواهند داد... به شاه گفت منظور شما از انتخاب من به نخست وزیری هتک حیثیت از من بود؟... علاء... امر انجام نیافته‌ای را انجام یافته تلقی کرد و گفت استعفا داده....

(حبیب یغمائین استعفا برای مملکت ایران بسیارگران تمام شد چه اگر قوام میماند مسلمانان قرارداد نفت بصره و صلاح ایران بسته میشد)...

خاطرات دکتر مظفر بقائی کرمانی مصاحبه کننده: حبیب لاجوردی نشر علم چاپ اول سال ۸۲:

دکتر بقائی گفته است بزرگ‌ترین رجل سیاسی معاصر ایران احمد قوام است و دکتر عیسی سپهبندی بعد از صدور فرمان نخست وزیری احمد قوام در تیر ماه ۱۳۳۰ خودسرانه برای ملاقات به خانه قوام رفته است او گفته است در خلال چند روز نخست وزیری

قوام وقتی وارد حوضخانه مجلس شده است دریافته است که بعد از پیامی که شاه برای معرفی کسی غیر از مصدق از بین ملیون فرستاده است برای جمع آوری رأی بسود آقایان دکتر معظمی و دکتر شایگان و آیت اله کاشانی و مکی فعالیت می‌شود و او در عین حال که شخصاً بطور کامل با مصدق مخالف شده بوده است متنی را بامضای همه رسانیده است که جز دکتر مصدق کسی مورد تأیید نیست. گذشت زمان نشان داد که دکتر معظمی و دکتر شایگان به راه مخالفت با مصدق نرفتند لکن بقیه کسانی که در این رابطه نام برده است بشمول خود او بلافاصله بعد از ۳۰ تیر کم و بیش باین راه افتادند و ظاهراً اقدام او در تهیه آن متن اقدامی تاکتیکی برای دور کردن رقیبان تصوری و بدست آوردن فرصت مانور بوده است.

این است بخشی از اظهارات او:

(شب شنبه من به چاپخانه رفته بودم...صبح ساعت ۵/۷...بیرون آمدم بنا بود جلسه فراکسیون نهضت ملی در حوضخانه مجلس ساعت ۸ تشکیل بشود در حوض خانه دیدم...پنج نفر در گوشه ای ایستاده اند سرشان را توی سر هم کرده و دارند صحبت می‌کنند ۴ نفر هم به همین ترتیب آن طرف تر مشغول نجوی هستند در یک گوشه دیگر ۶ نفر با هم صحبت می‌کنند دو سه نفر از اشخاصی که وارد جریان نبودند...راه می‌رفتند یکی از آن‌ها مرا دید از او پرسیدم چه خبر است گفت برای نخست وزیر آینده دارند بحث میکنند...یک حالت اضطراب فوق العاده ای به من دست داد و علت اضطراب این بود که ما مبارزه ای را شروع کردیم برای ساقط کردن قوام السلطنه بود...دیدم بهیچ صورتی نمی‌توانم کاری کنم که آن کسانی که داعیه پیدا کرده بودند تسلیم دیگری بشود...این نهضت ملی منقسم به شعبات چهار پنج نفری می‌شد در آن موقع به فکر رسید باید اسمی پیدا کنم که از این مدعیان...هیچ کدامشان نتوانند در مقابل او عرض اندام کنند و این نکته را هم از لحاظ معرفی خودم عرض کنم...که اگر من در آن موقع داعیه چنین مقامی را داشتم هیچ کس نمی‌توانست در مقابل من عرض اندام نماید و پایداری کند...اعلامیه نوشتم که متن آن این است: « ما امضا کنندگان ذیل نمایندگان مجلس شورای ملی...به علت این که معتقدیم در شرایط فعلی ادامه نهضت ملی جز با زمامداری دکتر مصدق میسر نیست متعهد می‌شویم با تمام قوای خود با کلیه وسایل از دکتر محمد مصدق پشتیبانی نمائیم»...کسانی که به عمق مطلب وارد نبودند...فوراً دویدند و امضا کردند ولی آنهایی که می‌دانستند این اعلامیه جلوی نخست وزیری آن‌ها را می‌گیرد با کمال اکراه آمدند و امضا نمودند این اعلامیه با خط من و امضای کلیه نمایندگان عضو فراکسیون نهضت ملی نزد جناب آقای دکتر عبدالله معظمی موجود است.)

نوشته دکتر شمس الدین امیرعلائی در خاطرات من در یادداشت های پراکنده

نشر دهخدا چاپ اول سال ۵۸ - ص ۱۲۹ :

هنگامی که مصدق در امریکا بود و من وزیر کشور بودم آیت اله کاشانی به من گفتند من می‌خواستم در حضور آقای باقر کاظمی به شما که وزیر کشور هستید بگویم که مزین رئیس شهربانی مفتش مرا که در منزل قوام گذاشته بودم توقیف کرده گفتم چرا مفتش گذاشته اید گفت قوام نزد شاه می‌رود و می‌خواهد نخست وزیر شود من می‌خواهم اعلامیه بدهم که بازار را ببندند و علیه دربار مردم شورش کنند... نزد شاه رفتم ایشان... گفتند... قوام السلطنه نزد ما در من رفته نه نزد من...

از خاطرات و تألمات دکتر مصدق:

و هم‌صدا شدن با مردم هم در روز ۳۰ تیر از نظر همکاری و نیل به هدف نبود بلکه از جهت مخالفتی بود که با شخص قوام السلطنه داشتند. نمک خوردند و نمکدان را شکستند... بعد از ۳۰ تیر که باز اینجانب خود تشکیل دولت دادم چون یکی از طرق مبارزه سیاست خارجی از طریق مجلس ۱۷ بود چنین بنظر رسید که هر قدر اصطکاک دولت با مجلسین کم بشود مبارزه سیاست

خارجی از طریق مجلسین تا حدی فلج شود و دولت بتواند بیشتر دوام کند. این بود که از مجلسین درخواست اختیارات نمودم تا در حدود آن بتوانم لوایح قانونی و ضروری را امضا کنم و بعد از آزمایش برای تصویب مجلسین پیشنهاد نمایم موقع درخواست تذکر دادم با این که اعطای اختیارات مخالف قانون اساسی است این درخواست را می‌کنم اگر... به تصویب رسید به کار ادامه می‌دهم و الا از کار کنار می‌روم. مجلسین هم از نظر مصالح مملکت آن را برای مدت ۶ ماه تصویب نمودند و چون مدت اختیارات در ۲۰ دی ماه ۳۱ منقضی می‌شد درخواست تمدید نمودم که در این وقت یکی از همکاران باین عنوان که تصویب تمدید اختیارات مخالف با قانون اساسی است با آن مخالفت نمود در صورتی که موقع تصویب اختیارات... کوچکترین مخالفتی ننمود و علت این بود که احساسات مردم تهران در روز ۳۰ تیر هنوز از خاطرها نرفته بود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۶۲۳/سن-دها-نوشت-دها-پی-های-ه-نوشت-دها-سن-۲۰۶۲۳>